

ونشره لأول مرة في صحيفة الأدب التي كانت تصدر في مشهد حاضرة  
خراسان :

مایم که از پادشاهان باج گرفتیم  
زان پس که از ایشان کمر و تاج گرفتیم  
دبیم و سریر از گهر و عاج گرفتیم  
اموال و ذخایرشان تساراج گرفتیم  
وز پیکرشان دیبه و دیباج گرفتیم  
مایم که از دریا امواج گرفتیم  
واندیشه نکردیم ز طوفان وز تیار

در چین وختن و لوله از هیبت ما بود  
در مصر و عدن غلغه از شوکت ما بود  
در اندلس و روم عیان قدرت ما بود  
غرناطه و اشبیلیه در طاعت ما بود  
صقلیه نهان در کنف رایت ما بود  
فرمان همایون قضا آیت ما بود  
جاری به زمین و فلک و ثابت و سیار

امروز گرفتار غم و محنت ورنجیم  
در داو فره باخته اندر شش و پنجمیم  
با ناله و افسوس در این دیر سپنجیم  
چون زلف عروسان همه در چین و شکنجیم